

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی _ اسلامی

منصوره باقری تیرماه ۱۴۰۱

حجاب در لغت به معنای مانع و چیزی است که بین دو چیز دیگر جدایی افکند (جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، ذیل واژه)

واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی به معنای پوشش به کار می‌رود

واژه عفاف از ریشه عف به معنای خودداری از آنچه حلال نیست به کار رفته است. (لسان العرب، ج ۹، ص ۲۹۰) عفاف در لغت نامه به معنای پاکدامنی و خویشتنداری آمده است (لغت نامه دهخدا، علی اکبر، ذیل واژه) در اصطلاح شخصی عقیف و پاکدامن است که بتوانند شهوات و غرایز خود را تحت کنترل درآورد به گونه‌ای که از حد اعتدال خارج نگردد در قرآن کریم نیز همین معنا به کار رفته است یعنی حالت نفسانی که قلب را از شهوت باز دارد

تفاوتی که بین این دو واژه حجاب و عفاف است تفاوت بین ظاهر و باطن است یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر و در عفت مربوط به باطن و درون است چون عفت حالتی درونی است اما با توجه به اینکه تاثیر ظاهر بر باطن و بلعکس یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است بین حجاب و عفاف تاثیر و تاثر متقابل است

بدین معنا که هر چه حجاب ظاهری بیشتر باشد تاثیر بیشتری در تقویت روحیه باطنی و درونی دارد و بالعکس

***حقیقت حجاب**

از منظر دین مبین اسلام در مسئله پوشش سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان بلکه روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد بیگانه از وی باید رایگان باشد؟

اسلام به روح مسائل می‌نگرد و جواب می‌دهد که مردان فقط در محیط خانواده و در کادر ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین میتوانند از زن قانونی خویش کامجویی نمایند و اما در اجتماع اینگونه استفاده ممنوع است و زنان نیز از این که مردان را در خارج از کانون خانواده کامیاب سازند ممنوع میباشد محدودیت کامیابی جنسی به محیط خانواده از جنبه روانی به بهداشت روانی جامعه کمک نموده و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد گشته و سبب برقراری صمیمیت بین زوجین شده و از جنبه اجتماعی سبب حفظ نیروی کار و از نظر وضع زن در برابر مرد سبب بالا رفتن ارزش زن می‌گردد

لذا حجاب اگرچه محدودیت هم داشته باشد برای مردان محدودیت است و برای زنان آزادی به دنبال می‌آورد اما اختصاصی دستور پوشش بیشتر به زن به این دلیل است که خودنمایی و خود آرایی ویژگی زنان است از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار است و زن شکارچی همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن زن شکار و مرد شکارچی است این زن است که به حکم طبیعت خود میل به دلبری دارد تا مرد را در دام علاقه خود اسیر سازد لذا انحراف برهنگی و تبرج از انحراف‌های مخصوص زنان بوده و دستور پوشش نیز برای آنها مقرر گردیده است

اگر روح مسئله حجاب به درستی فهمیده شود جای سوال و تردیدی باقی نمی‌گذارد چرا که پوشش و حجاب نه از ناحیه مرد به زن تحمیل گردیده و نه با حیثیت و کرامت وی درتنافی بوده و سبب رکورد فعالیت اجتماعی می‌گردد اگر رعایت مصالح اجتماعی زدن و مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ نمایند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی نمی‌تواند خلاف آزادی و کرامت فرد تلقی شود اینکه در کشورهای متمدن جهان محدودیت‌هایی در جامعه وجود دارد و اصلاً شرافت اقتضا می‌کند که در بیرون رفتن از منزل متین و باوقار بوده و هیچ عمد در تحریک و تهییج دیگران به کار نبرد زبان دار لباس نپوشد زبان دار راه نرود و زبان دار به سخن خویش آهنگ ندهد آیا این بر خلاف آزادی و حیثیت انسانی اوست؟!

اسلام نمی‌خواهد زن به صورت موجود مهملی در آید که کارش فاسد کردن اخلاق اجتماع و خراب کردن بنیان خانواده و استهلاک ثروت باشد

اسلام هرگز نمی‌گوید که زن در خانه زندانی باشد و حق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و علمی‌کند از او سلب کند بلکه نمی‌خواهد زن به وجود باطل و عاطلی تبدیل شود تا محیط اجتماع را با لذت جویی‌های شهوانی آلوده ساخته و سبب فلج شدن نیروی آن گردد

البته اگر زن به بهانه تقدم و مقتضیات زنان هر روز با وسایل و ابزاری که در دنیای سرمایه‌داری تهیه می‌شود، خود را در معرض نمایش بگذارد، مصرف‌کننده‌ی شایسته‌ی برای صاحبان سرمایه و کارخانه‌ها خواهد بود و وظیفه‌ی خود را جهت انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده‌ی آنها و ایجاد رکورد فعالیت‌های اجتماعی به نفع استعمارگران انجام خواهد داد. اینجاست که صاحبان سرمایه به جای تلاش برای ارائه‌ی جنس مرغوب یک مانکن را بعنوان فروشنده می‌آورند و نیروی زنانگی و سرمایه‌ی عفت و حیای او را استخدام نموده تا به منافع خود برسند. این نهایت رذالت است که زن با آن استعداد والا و نقش موثرش در اجتماع بخواهد به عنوان کارگری ارزان، ابزار دست سرمایه‌داران گردد.

***سمی مهلک در قالب هدیه غرب به زن**

آنچه فرهنگ غرب در مورد زن اعمال می‌کند، ناقض حقوق انسانی اوست، اما با هوچیگری و جنجال تمام تلاش خود را به کار برده تا قضیه را جور دیگری وانمود کند به آنان که تا اوایل قرن بیستم، استقلال‌ی برای زن قائل نبوده و زن را مقهور مطلق در دست مرد دانسته و او را اصلاً به حساب نمی‌آوردند. اکنون هم که زن را وارد صحنه‌های اجتماعی کرده‌اند، تا حدود زیادی انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی دارند. علت اینکه برای او حقی شناخته‌اند، این بود که زن می‌توانست یک بازوی کار ارزانی داشته باشد برای صنایع، یعنی زن اروپایی در حقیقت قربانی تمدن صنعتی شده است. البته انگیزه‌ی اصلی در این حرکت توطئه‌آمیز باز همان انگیزه‌ی فرهنگی است که هدفی جز ویران کردن بنیان‌های اخلاقی، برهم زدن نظام خانواده، و غرق کردن جامعه در منجلاب، نداشته است.

رواج فرهنگ بی‌عفتی در غرب، هنگامی که زن و مرد نیازهای غریزی جنسی خود را در جایی غیر از خانواده تأمین کردند، سبب کمرنگ شدن علاقه و عاطفه آن دو به یکدیگر و تزلزل بنیان خانواده گردیده و درواقع عدم عفاف و حجاب و آزادی‌های جنسی سبب ارتجاع و عقب ماندگی شده است. دنیایی که زن را از خانواده جدا می‌کند

کند و با وعده های توهم آمیز بیرون رانده و او را در برابر نگاه و حرکت هرزه ی جامعه ، بی پناه و بی دفاع کرده و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می کند . هم زن را تضعیف نموده و هم خانواده را به نابودی کشانده و هم نسل آینده را به خطر می اندازد.

گفتمان غرب راجع به زن ، اجزا گوناگونی دارد که دو جز آن برجسته تر است : یکی مردوارکردن زن ، یعنی زن را متشبه مرد قرار دادن . درحالی که اصلا تشبه به مرد برای زن ارزشی به حساب نمی آید. هر یک از زن و مرد طبق طبیعت خود ، نقش و جایگاهی دارند و مقصودی از آنها در آفرینش حکیمانه ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود . در این صورت اگر تشبه به دیگری صورت گیرد ، مصداقِ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ است . یعنی ما آن نظام اتم خلقت را از بین برده ایم . ارزش زن بدین نیست که کپی مرد بشود بلکه این است که یک زن کامل باشد.

جزء دیگر گفتمان غرب راجع به زن ، این است که زن را ابزار راحتی برای امتداد جنسی مرد قرار دهد. در واقع مسئله فمینیسم نیز فرآورده های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار را به اینجا می رساند .

*عفاف و حجاب در اسلام

تبیین اسلام راجع به شخصیت زن در سه محیط جهان خلقت و محیط اجتماع و محیط خانواده ، بسیار شرافتمندانه است . برای حفظ حقوق زن در این مقوله ها بایستی نظر اسلام را به خوبی درک و به دنیا عرضه نمود .

دین مبین اسلام در نگرش به زن اول حیث انسانیت و پس از آن جنسیت را قرار می دهد . در حیث انسانیت ، جنسیت نقشی ندارد ، بلکه جنسیت یک امر ثانوی و عارضی است و در مسیر اصلی بشر تاثیری ندارد

اسلام می خواهد که رشد فکری ، علمی ، اجتماعی ، سیاسی و از همه بالاتر ، معنوی زن به حد اعلی برسد و به گونه ای که وجود او برای جامعه و خانواده بعنوان یک عضو ، حد اعلا ی فایده و ثمر را داشته باشد . اصولا همه تعالیم اسلام از جمله حجاب بر این اساس است .

در نظام اسلامی محدودیت هایی هم که وجود دارد ، بر طبق فطرت انسانی است ، هم برای مردان و هم برای زنان به کیفیت دیگری این محدودیت وجود دارد . اما این محدودیت در واقع کمک کننده به این است که نیروهای آنها هرز نرود و در جهت درستی به کار افتد که نتیجه اش رشد فکری و علمی و عملی در جامعه ی زنان نیز خواهد شد . اگر جوامع بشری ، شناخت درستی از جایگاه مرد و زن در طبیعت بدست آورند ، نظام کامل الهی تحقق می یابد . در نظام الهی هیچیک از زن و مرد حق ندارد خود را واجب تر و مفید تر از دیگری بداند . هنر در این نیست که یکی از این دو جنس تقلید از دیگری کند . ارزش زن به تقلید از مرد و شبیه شدن به او نیست ، بلکه به این است که یک زن کامل باشد ؛ زنی که خود را وسیله ای برای جلب نگاه مردان ندانسته و شانش را عزیز تر از این می شمارد که با از دست دادن عفت و حیای خویش ، هوس دیگران را اشباع نماید . زنی که خود را در دامنه ی قله ای می داند که در اوج آن بزرگترین زن تاریخ بشریت ، حضرت فاطمه الزهرا (س) قرار دارد .

قرآن کریم کمال و حجاب و عفاف را باهم سازگار دانسته و هنگام سخن در این باره می فرماید : حجاب ، احترام به زن است تا نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند . (احزاب ، ۵۹) زنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند که

حجاب شان حق الهی است . آنها امانتدار حق خداوندند . یعنی این مقام ، حرمت و حیثیت را خداوند که حق خودش است به زن عنایت فرموده و خواسته تا او ، این حق را به امانت حفظ کند .

*کار فرهنگی برای ایجاد تفکر اسلامی حجاب

برای اغنای مردم کشور و مردم دنیا نیاز به کار فرهنگی داریم که بتوان تفکر اسلامی را در مورد مسئله زن و حجاب جا انداخت . برای این کار مهم به هنر ، پول و دنبال گیری جدی کار نیاز است . چرا که هر اندیشه و ایده ای که در قالب هنر ننگند ، ماندنی نخواهد بود . روی مقوله حجاب نیز کارهنری و کار زیبای تبلیغی بایستی صورت گرفته تا در ذهن ها جای گیرد .

*لزوم کار سیاسی و فکری و اخلاقی به موازات هم علیه بد حجابی

بعضی از هرزگی های مقطعی ریشه ی سیاسی دارد و یک عده ، آگاهانه افرادی را با استفاده از زمینه های غریزی به راهی می کشانند تا انقلاب را به گمان خودشان شکست دهند ، در این موارد کار سیاسی لازم است . برای کسانی که مسئله حل نشده ، کار فکری نیاز است و برای عده ای نیز که احتیاج به اغناء فکری ندارند باید توجه داد تا مواظبت کنند که لغزش شان به سود چه کسانی است . این همان کار اخلاقی است که در برابر اینگونه افراد نیز ضرورت دارد .

*تبیین مسئله حجاب برای مردم و ترویج آن در جامعه

تبیین یکی از مهم ترین راه های مقابله با تحریف است که همواره مقام معظم رهبری (حفظه...) به ضرورت آن اشاره فرموده اند . هنگامی که دشمن با تحریف حقایق ، فضا را غبار آلود نموده و معارف حقیقی را طور دیگری وانمود می سازد ، نخبه ها و مراجع فکری و فعالان فرهنگی و رسانه ای ، بایستی با سلاح تبیین حقایق به مقابله با او برخیزند تا نقشه ی دشمن را خنثی سازند .

*لزوم پی ریزی قوانین حجاب در جامعه

آیات صریح قرآن بر این مسئله دلالت می کند و جامعه ی اسلامی نمی تواند نسبت به اجرای آن در جامعه بی تفاوت باشد ، بلکه اجرای آن در جامعه لازم است و همه ی افراد جامعه موظف به رعایت مقررات جامعه هستند . این قانون با همه جوانب آن مانند عرضه ی کالاهایی که ضد حجاب است ، باید اجرایی شود . البته پشتوانه ی اجرایی این قانون همان کار فرهنگی است .

*برخورد با بی حجاب

البته این مورد ، خود بسته به طرف مقابل انواع متفاوتی دارد : افرادی که از روی نا آگاهی ، حجاب را سبک می شمارند ، با برخورد دلجویانه در جهت توصیه و راهنمایی آنها ، عمل نمود . با کسی که غیر منطقی است شیوه ی برخورد متفاوت از انسان منطقی است . برای مثال تند روی در مقابله با بد حجابی ، خود سبب سوء استفاده دشمن می شود .

*برخورد با جریان فساد و فحشا

با فساد های اخلاقی و رواج منکرات بایستی مقابله و مبارزه نمود . طبق تعالیم اسلامی باید مردم را با تبیین صحیح ، با فضایل اخلاقی آشنا کرد و از منکرات دور نگه داشت . این بجای خود درست است ، اما با شیوع منکرات نیز باید مقابله کرد . در چنین مواردی توصیه کار ساز نیست و قدرت نظام باید جلو سیر فحشا و فساد را بگیرد .

*مقابله ی قاطع با بی احترامی نسبت به حجاب در دانشگاه ها

در محیط دانشگاه ، دانشجو و استاد باید سعی کنند تا روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج نمایند . اگر افرادی نسبت به حجاب بی احترامی و اهانت می کنند ، نباید به آنان اجازه داد تا افکار فاسد خود را منتشر نمایند . محیط دانشگاه باید برای رشد انسان ، مناسب باشد

*نهی از منکر ، راه برخورد با بدحجابی

رعایت حجاب لازم و واجب است . این یکی از قوانین مهم اسلامی است که رعایت آن برای شخص و جامعه مفید بوده و ضرورت دارد . از آنجا که در جامعه اسلامی ، سرنوشت افراد دارای اهمیت بوده ، لذا بی تفاوتی نسبت به مسئله بدحجابی خود مذموم است . لذا افراد باید خود را به سلاح معرفت و استدلال مجهز نموده و با زبان و روی خوش و مدارا با دیگران ارتباط برقرار کنند ، با کسانی که ولو نقصی در ظاهر دارند ، اما دلشان متعلق به این جبهه و اهداف و آرمان های آن است توطئه های دشمنان را که در کمین این مردم و انقلاب اسلامی بایستی با هوشیاری تمام است ، خنثی نمود . آنان که در صدد اشاعه ی فحشا و نابودی کشاندن اجتماع هستند ، می بایست با همتی مضاعف نقشه شان را خنثی کرد .

نباید فریب تبلیغات گمراه کننده ی فرهنگ عربیانگرایی فساد انگیز و تشویق کننده ی به فحشا را خورد . اگر فرهنگ تهاجم خود علیه هُن فرهنگ اغواگر را از دست بدهیم ، تهاجم آنها شروع خواهد شد و هرچه از جانب ما ضعف و سستی باشد ، آنها با قوت جلو خواهند آمد. حفظ عفاف و حجاب و ترویج این فرهنگ ، در جامعه ی انقلابی ایران یک ضرورت و فریضه ای بزرگ است .

در پایان ذکر این نکته لازم است که فرهنگ غرب همانطور که به اسم حقوق زن و آزادی او ، سبب تحقیر و نقض حقوق انسانی او گردیده و زن را دستمایه ای برای خوشگذرانی های خود ساخته و انمود ساخته و به دنبال آن سعی بر ترویج و اشاعه ی فساد و بی بند و باری در جوامع را داشته است ، منطقش همانند برف و یخ در مقابل گرمای خورشید مقام معنوی حضرت زهرا (س) و منطق با برکت اسلام ، ذوب شده و ازبین خواهد رفت .

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین